

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال دوم، شماره سوم / بهار و تابستان 1396: صص 75-97

داستان قوم ثمود در قرآن و یافته های جغرافیایی معاصر

طاهره سادات طباطبائی امین ۱

زینب شجاعی ۲

چکیده

مطابق آموزه های قرآن کریم، شناخت و اطلاع از وضعیت اقوام گذشته برای عبرت آموزی در برخی از آیات الهی به منظور دستیابی به یک زندگی آگاهانه لازم است. براساس روایات و متون تاریخی، منطقه جغرافیایی عربستان، از زمان های گذشته مسکن قبایل زیادی بوده، که برخی از آنان در طی حوادث نابود گردیده اند. یکی از قبایلی که در تاریخ این سرزمین از آن نام برده شده، قوم ثمود است مسئله اصلی نگارش پیش رو این است که نظر قرآن درباره قوم ثمود چیست و محل زندگی آن ها طبق جغرافیای کنونی زمین، کجاست؟ قرآن کریم معمولاً درباره این قوم به اختصار سخن گفته و غالباً بین قصه حضرت نوح (علیه السلام) و حضرت ابراهیم (علیه السلام) و پس از قوم عاد از آن ها یاد کرده است. بر اساس آثار باقی مانده از آن ها و اشارات برخی مفسران و قرآن پژوهان می توان گفت که قوم ثمود در شمال شبه جزیره عربستان زندگی می کردند. این نگارش به ثمود در قرآن و اعتقادات آنها و شتر حضرت صالح و عوامل هلاکت آنان اشاره می کند سپس به بررسی جغرافیای تاریخی سرزمین حجر و آثار باستانی به جامانده از آن، و نظرات مفسران در این باره می پردازد.

کلیدواژه: تفاسیر قرآن، جغرافیای تاریخی، سرزمین حجر، حضرت صالح (علیه السلام)، قوم ثمود.

¹ - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.

tabatabaei.amin@gmail.com, tabatabaei@quran.ac.ir

² - کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، رشته تفسیر قرآن مجید.

مقدمه

اگرچه بسیاری از قصص قرآن کریم محدود به زمان و مکان معین نیست اما با پژوهش و بررسی موقعیت زندگی اقوام گذشته می‌توان محدوده جغرافیای کنونی آن را مشخص کرد. در قرآن کریم حدودا 14 بار به سیر و سیاحت در زمین به منظور مطالعه و تأمل در تاریخ پیشینیان تأکید شده است. لازم به ذکر است که ابعاد مکانی و جغرافیایی رویدادهای تاریخی قرآن کریم، کمتر مورد توجه قرار گرفته و این کم توجهی در آثار قرآن پژوهان و مفسران کاملا مشهود است. قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (غافر/82 و محمد/10) «پس آیا آنان در روی زمین سیر نکردند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چگونه بود؟» فرمان سیر و سیاحت در زمین (فِي الْأَرْضِ) سپس نظر افکندن (فَيَنْظُرُوا) یعنی مطالعه تاریخ مستند به اسناد و مدارک غیر مکتوب را مورد تأکید قرار می‌دهد. طبیعی است که لازمه سیر و سیاحت تاریخی در زمین، شناخت جغرافیای تاریخی است. در گذشته به علت عدم شناخت جغرافیای تاریخی قرآن، مفسران و مورخان اماکن گوناگونی را برای هر یک از قصص قرآن ذکر کرده‌اند، بدین جهت لازم است که با استفاده از منابع جغرافیایی قدیم و نیز کشفیات باستان شناسان برای شناخت جغرافیای تاریخی قرآن کمک بگیریم و تا جایی که امکان دارد جغرافیای تاریخی آیات و قصص و اقوام گذشته را مشخص کنیم. بر اساس آیات و روایات و متون تاریخی، منطقه جغرافیایی سرزمین حجر در عربستان، محل وقوع حوادث مهمی است: یکی از رویدادهای تاریخی که در قرآن کریم مکرر ذکر شده، داستان قوم ثمود است که اختلافاتی میان مفسران درباره سرزمین آنان ایجاد شده است. این اختلاف نظرها ناشی از کمبود تحقیقات و پژوهش‌های کافی در زمینه موقعیت جغرافیایی سرزمین حجر می‌باشد.

پیشینه:

کتابی که در این زمینه نگاشته شده عبارت است از:

«ثمود پژوهش باستان شناسانه سنگ نگاشته‌های ثمودی»، وان دن براندن؛ ترجمه محمدحسین مرعشی، تهران: نگاه معاصر، 1386، 186 صفحه. که در این کتاب بیشتر، سنگ نگاشته‌های قوم ثمود مورد مطالعه قرار گرفته است اما مقاله پیش رو به سیر قرآنی و جغرافیای تاریخی می‌پردازد.

پایان نامه ای در این زمینه یافت نشد. مقالاتی که در این زمینه چاپ شده عبارت است از:

«بررسی مدارک باستان‌شناسی مدائن صالح» لاله روح انگیز؛ مجله بینات، پاییز 1385 - شماره 51، (از ص 166 تا

«مزار حضرت صالح (ع)» خلیل، محمد ابراهیم؛ مجله آریانا 1341 - شماره 239 (2 صفحه - از 33 تا 34)
«باستان‌شناسی قوم ثمود» مرعشی، سید محمد حسین، کتاب ماه دین: خرداد و تیر 1387، (از ص 84 تا ص 87).
«صالح در میان قوم ثمود»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام: تیر 1372، سال 33، شماره 4، (از ص 6 تا 13).
مقاله عربی «تاریخ ثمود» البهکلی، حسن بن أحمد: مجله العرب، شوال 1378، (از ص 291 تا ص 296).
مقاله های فوق (به جز مقاله اول)، مختصر و محدود به 3 یا 4 صفحه می‌باشند. با بررسی پژوهش‌های انجام یافته در این خصوص، معلوم شد کمتر کسی به جغرافیای تاریخی سرزمین حجر پرداخته است. بدین منظور «ثمود در قرآن و جغرافیای تاریخی سرزمین حجر» در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

1- واژه ثمود از دیدگاه لغت شناسان

راغب در معنای این واژه آورده است: «ثمود» از نظر ریشه لغت از ماده «تَمَد» به معنی آب کمی است که ماده نداشته باشد و مثمود (به کسی می‌گویند که از او زیاد مطالبه اموال کنند به اندازه‌ای که اموالش نقصان پذیرد). بعضی نیز این کلمه را عجمی می‌دانند. (راغب اصفهانی، 1412 ق، ص 176) قرشی هم درباره این کلمه می‌فرماید: اگر کلمه ثمود را اسم قوم گرفتیم مذکر و منصرف است و اگر اسم قبیله گرفتیم، غیر منصرف و علت عدم صرف آن علمیت و تأیث است. ثمود یکی از قبائل عرب ماقبل تاریخ است که در محلی بنام وادی القری مابین حجاز و شام سکونت داشتند. (قرشی، 1371 ش، ج 1، 314) در کتاب التحقیق هم آمده: ثمود در اصل یکی از نوادگان نوح به نام ابن کاتر بن ارم بن سام بن نوح است که زبان‌شان عربی و محلشان نزدیکی تبوک در شمال غربی مدینه بود. (مصطفوی، 1368 ش، ج 2، ص 26)

ابو عمرو بن العلاء گفت: ثمود برای آن خواندند ایشان را که ایشان را آب کم بود، مسکن ایشان، در حجر میان حجاز و شام تا به وادی القری. از اولاد ثمود بن عاثر بن ارم بن سام بن نوح و او برادر جدیس بن عابر است. (طبرسی، 1372 ش، ج 4، ص 678)، (قمی مشهدی، 1368 ش، ج 5، ص 123)

2- داستان قوم ثمود در قرآن

در قرآن 25 بار به قوم ثمود اشاره شده است. قصه قوم ثمود به اختصار و غالباً بین قصه حضرت نوح و حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن مجید آمده است به این که مردمی بت پرست بودند و با وضع زندگانی خوب، ولی جز عده کمی از ایشان به پیامبر خود حضرت صالح علیه السلام ایمان نیاوردند و ناقه صالح را که معجزه بود پی کردند و به عذاب الهی نابود گردیدند. (حریری، 1384 ش، ص 109) آیت الله مکارم می فرماید: قیام صالح پیامبر بزرگ خدا در میان قوم ثمود در سوره های اعراف، هود، شعراء، قمر و شمس اشاره شده است، اما مشروح سرگذشت این جمعیت در سوره هود آمده است، در

این آیات تنها فشرده ای از گفتگوهای صالح با قوم ثمود و سرانجام کار آن ها بیان گردیده است. (مکارم شیرازی، 1374 ش ج 6، ص 235)

درباره ترتیب نقل داستان حضرت صالح باید گفت که: در قرآن کریم داستان حضرت موسی پیش از داستان حضرت ابراهیم آمده است و پس از آن داستان حضرت نوح، حضرت هود و سپس حضرت صالح بیان شده است. قرآن کریم در سوره هایی چون توبه، ابراهیم، فرقان، ص، ق، نجم و فجر از عاد و ثمود، باهم سخن گفته است. در همه این آیه ها ثمودیان خدایانی غیر الله را می پرستیدند، در زمین طغیان و تباهی می کنند و در خانه هایی از کوه تراشیده به ناز و نوش زندگی می گذرانند.

در قرآن کریم ثمودیان جانشینان قوم عاد معرفی شده اند که به نظر می رسد این ترتیب قرآنی، ترتیب تاریخی این دو قوم را نیز می رساند. (فجر/69)، (قمر/23-18)، (ذاریات/43-41)، (اعراف/73-65)، (هود/61-59)، (شعراء/141-123) خداوند برادرشان صالح را به سوی آنان می فرستد تا به پرستش خدای یگانه فراشان خواند. تنها اندکی از آنان به صالح می گروند و بیشترین آن ها به رسالت او پشت می کنند.

2-1- اعتقادات قوم ثمود

با توجه به آیات قرآن، قوم ثمود غیر خدا را پرستش نموده و مشرک بودند. (هود/68-61)، (اعراف/73)، (نمل/45)، (شعراء/141-142) در یک حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که قوم ثمود هفتاد بت داشتند و آن ها را می پرستیدند. (کلینی، 1407 ق، ج 8، ص 185) بنا بر روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، این قوم صخره ای بزرگ را می پرستیدند، و سالی یک بار همگی پیرامون آن گرد می آمدند و در برابرش قربانی می کردند. (همان، ج 8، ص 187) همچنین گفته شده که

بزرگ‌ترین خدای آنان «صلم» نام داشته که سر گاو را نماد آن می‌دانستند و شهر «تیماء»، در حوالی سال 600 پیش از میلاد از مهم‌ترین مراکز پرستش آن بوده است. جز «صلم»، بت‌های دیگری را نیز می‌پرستیده‌اند همچون «ود» - یکی از بت‌های کهن عرب‌ها، «حدد» (هدد)، خورشید، منات، کاهل، بعل، بعله، یهو، رضو، عثیره، هبل، یغوث، سین و ... این بت‌ها، متولیان و خدمت‌کارانی نیز داشته‌اند با نام «قسو» (قس کشیش). (محمد بیومی، 1383، ج 1، ص: 238) بر اساس آیه ۴ سوره الحاقه «كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ» «ثمود (قوم صالح) و عاد (قوم هود) آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند.» می‌توان گفت که آنان منکر قیامت و ثواب و عقاب بودند. (طوسی، بی تا ج ۱۰، ص ۹۴) و خداوند حضرت صالح، که از قوم ثمود بود را برای هدایت این قوم برانگیخت تا آنان را از پرستش غیر خدا به یکتاپرستی فراخواند. (نمل/45)، (اعراف/73)، (هود/61) به نوشته مفسران در تفسیر آیه 141 سوره شعراء «كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ» «قوم ثمود نیز همه فرستادگان خدا را تکذیب کردند.» قوم ثمود با تکذیب حضرت صالح، در حقیقت همه فرستادگان الهی را تکذیب کردند. (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۸)

2-2- معجزه حضرت صالح برای قوم ثمود

ثمود از صالح علیه‌السلام برای اثبات مدعایش تقاضای معجزه کردند و گفتند: «مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (شعراء/۱۵۴) «تو جز بشری همانند ما نیستی، پس آیه و معجزه‌ای بیاور، اگر از راست‌گویانی» طبق روایات، نوع معجزه را نیز مشخص نمودند و از صالح علیه‌السلام خواستند از درون صخره بزرگی، که آن را محترم می‌شمردند و عبادتش می‌کردند، ناقه شتر ماده ای شیرده بیرون آورد. (اصول کافی، پیشین، ج ۸، ص ۱۸۷) در این هنگام خدا خواسته آنان را برآورد و صالح از ایشان خواست که ناقه را به حال خود واگذارند و به آن آزار نرسانند، در غیر این صورت، گرفتار عذاب الهی خواهند شد. «وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يُّوْمٍ عَظِيْمٍ» (شعراء/156) و (قمر/28) پس از آنکه حضرت صالح به امر خدا شتر را از کوه خارج نمود فرمود: «قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يُّوْمٍ مَّعْلُوْمٍ» (شعراء/155) «پس به دعای صالح ماده شتری از کوه بیرون آمد و صالح علیه‌السلام گفت: این ماده شتری است که یک سهم از آب (این سرچشمه) از آن اوست و سهم یک روز معین هم از آن شماست.» و همچنین ثمودیان را هشدار داده بود که این ناقه را هرگز آسیب و گزند نرسانند تا مبادا به عذاب الهی گرفتار آیند.

2-3 - عوامل هلاکت قوم ثمود

بر اساس قرآن کریم، قوم ثمود در برابر دعوت صالح پیامبر به دو دسته متخاصم تقسیم شدند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ» (نمل/45) «و همانا ما به سوی قوم ثمود برادر آن‌ها صالح را فرستادیم که خدا

را پرستش نمایید، پس در آن هنگام آن‌ها دو گروه شدند (مؤمنان و کافران) که به نزاع و کشمکش می‌پرداختند.» به عقیده علامه طباطبائی، معنای آیه این نیست که آنان به دودسته مشخص و معین تقسیم شدند، بلکه مقصود این است که شماری از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند. (طباطبائی، 1417 ق، ج 15، ص 372) در سوره اعراف آیه 75 و 76 از این دو گروه به‌عنوان مستکبرین و مستضعفین یاد کرده: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» «اشراف مستکبر قوم صالح به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند آیا شما یقین دارید صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده و آن‌ها جواب دادند آری ما به آنچه او مأموریت یافته ایمان آوردیم، ولی مستکبران گفتند ما به آنچه شما ایمان آورده‌اید کافریم»

همچنین قرآن کریم از نه گروه تبه‌کار در قوم ثمود یاد کرده است که هم سوگند شدند تا صالح علیه‌السلام و خانواده‌اش را در یک شبیخون به قتل رسانند و سپس کشتن آن‌ها را انکار کنند: «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ* قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَدُوقُونَ» (اعراف/49-48) «و در آن شهر نه نفر (یا نه گروه، از اشراف و گمراهان شهر) بودند که در زمین افساد می‌کردند و هیچ اصلاح نمی‌کردند. آن‌ها به یکدیگر گفتند: هم قسم به خدا شوید که بر او و خانواده‌اش شبیخون زنیم سپس به خونخواهش بگوییم ما حاضر قتل (او و) خانواده‌اش نبودیم و حتماً ما راست گوییم.» علامه طباطبائی ذیل آیه 48 سوره نمل «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ...» می‌فرماید که بر اساس این آیه قوم ثمود به صورت قبیله ای زندگی می‌کردند و در هر قبیله شیخی و بزرگی فرمانروائی می‌نمود. در کشف زمخشری هم آمده: فرق میان رهط و کلمه "نفر" این است که کلمه رهط از سه و یا هفت تا ده را شامل می‌شود و کلمه نفر از سه تا نه را. (زمخشری محمود، 1407 ق، ج 3، ص 372)

در شهر صالح که همان حجر است نه نفر از اشراف بودند که گمراه بوده در کشتن ناقه صالح کوشش می‌کردند و خدا را اطاعت نمی‌کردند. ابن عباس نام آن‌ها را این‌طور ذکر کرده: قدار بن سالف، مصدع، دهمی، دهیم، دعی، دعیم، اسلم، قتال و صدف. (طبرسی، پیشین، ج 7، ص 354) اما آنان نمی‌دانستند که خداوند متعال از نیرنگ‌شان آگاه است و نابودشان خواهد کرد. «وَمَكْرُؤًا مَكْرَأً وَمَكْرِنًا مَكْرَأً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ* فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمُ أَنَا دَمَرْنَاَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل/ 50 و 51) «پس بنگر که چگونه بود عاقبت نیرنگ آن‌ها؛ ما آن‌ها و قومشان را (که با آن‌ها هم‌عقیده بودند) همگی را هلاک ساختیم. پس آن خانه‌های آن‌هاست ویران و تهی (از ساکنان!) حَقًّا که در این (حادثه) نشانه عبرتی است برای گروهی که بدانند.»

با همه تأکیدات و هشدارهای صالح علیه‌السلام در پاس‌داشت ناقه و آزار نرساندن به او بنا بر آیه ۲۹ سوره قمر، ثمودیان یک‌تن را برای این کار انتخاب کردند که قرآن کریم او را نگون‌بخت‌ترین این قوم خوانده است: «فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى

فَعَقَرَهُ» «پس آن‌ها (برای کشتن آن شتر اجتماع کردند و) یارشان را فراخواندند، پس او شمشیر برگرفت و شتر را پی کرد.» در نتیجه قوم ثمود از این فرمان روی برتافتند و سرانجام ناقه خداوند را کشتند. (قمر/29) «فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف/77) «پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرکشی نمودند و گفتند: ای صالح، آنچه را به ما وعده می‌دهی بر ما بیاور اگر از فرستادگانی.»

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «و انما عقر ناقة ثمود رجل واحد فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا» (دستی، ش ۱۳۸۶، کلام 201) ناقه ثمود را یک نفر از پای درآورد، اما خداوند همه آن قوم سرکش را مجازات کرد.

قرآن کریم، آن‌یک تن را که به این کردار پلید دست زد، اشقا (بدبخت‌ترین) قوم ثمود معرفی می‌کند: «إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا» (شمس/12) «آنگاه که شقی‌ترین آن‌ها به پا خاست (و برای کشتن شتر صالح داوطلب شد).»

2-3-1- عاقبت ثمودیان پس از کشتن ناقه

پس از آنکه ثمودیان ناقه را پی کردند، حضرت صالح به آنان وعید داد که فقط سه روز دیگر از زندگانی در دنیا برخوردار خواهند بود: «فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ» (هود/65) «پس آن را دست‌وپا بریدند و نحر کردند (صالح) گفت: سه روز (مهلت دارید که) در خانه‌هایتان برخوردار باشید (سپس عذاب خواهد آمد) این وعده‌ای است که دروغ بردار نیست.»

و سپس مطابق با آیه "فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهَوْنِ" عذابی را که قوم صالح با آن به هلاکت رسیده‌اند.

مال و ثروت ثمود به دلیل کفر و سرکشی آنان تباه شد و بدنامی جایگزین مال و ثروتشان در دنیا گشت. قرآن در این باره می‌فرماید: «كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ» (هود/68) «بدانسان که گویی هرگز در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید که قوم ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند (و ناسپاسی کردند)؛ هان! دوری (از رحمت خدا) باد بر قوم ثمود.» ایشان مایه‌ی عبرت دیگران شدند. چون هنگام عذاب فرارسید، صالح و پیروان باایمان نجات یافتند.

حادثه «ثمود»، پیش از زمان حضرت موسی علیه‌السلام بوده است. «شعیب» داستان قوم ثمود را به‌عنوان عبرت، برای قوم خویش بیان کرده است: خداوند این داستان را در سوره هود این چنین فرموده است: «وَيَا قَوْمِ لَآ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ» (هود/۸۹) لازم به تذکر است که «شعیب» هم‌زمان و معاصر حضرت موسی علیه‌السلام بوده است. (بتنونی، بی تا ص 439)

3- یافته های جغرافیایی معاصر درباره سرزمین حجر

شهرهای حضرت صالح به نام حجر (به کسر حاء و سکون جیم بود)، منسوب به حضرت صالح پیامبر صلی الله علیه و آله بود که از سوی پروردگار به سوی قوم ثمود فرستاده شد و در حدود ۳۴۷ کیلومتری شمال مدینه قرار دارد. مدائن صالح در بیست و پنج کیلومتری شمال شهر العلاء واقع شده است. (بتنونی، پیشین، ص 327)

بر اساس تاریخ‌نگاری مسلمانان، زمان ظهور حضرت صالح در میان این قوم مقدّم بر نبوت ابراهیم علیه‌السلام بوده است. (طبری، 1352 ش، ص 216) منابع تاریخی، تقریباً همه همراه‌اند بر این‌که زیست‌گاه ثمودیان از حجر تا وادی القری میان حجاز و شام بوده است. وادی القری میان تیماء و خیبر است و در بزرگی همانند مکه و مدینه و یمامه. ابن کلبی گوید: آنجا را از آن‌رو وادی القری می‌گویند که از ابتدا تا انتهای آن وادی، همه قریه‌هایی است پیوسته به هم. وادی القری آبادترین مناطق جزیره‌العرب است. هنوز ویرانه‌های قریه‌ها بر جای است و آب‌ها از چشمه‌ها می‌جوشند و بر روی زمین جاری می‌شوند و تپه می‌گردند که هیچ‌کس از آن‌ها سود نمی‌برد. (یاقوت حموی، 1995م، ج ۳، ص ۸۱) و نیز بنگرید (همان، ج ۴، ص ۸۱). در شمال وادی القری، حجر قریه کوچکی است با مردمی اندک در فاصله یک روز راه از وادی القری، در میان کوه‌ها. منازل ثمود در آنجا بوده است. مقدسی گوید: حجر شهری کوچک اما استوار است که چاه‌ها و مزارع بسیار دارد. مسجد صالح در نزدیکی بالای کوه چون صفا‌ای است در سنگ کنده شده. خانه‌ها و آثار شگفت‌انگیز ثمود در آنجاست. (یاقوت، ج ۱، ص ۱۱۵ و ج ۲، ص ۵۸)

به موازات شهر حجر یا مدائن صالح، مسکن قوم ثمود، بندر معروف و وجه قرار داشت. به عقیده بعضی بندر وجه جزء حجر بوده است. این بندر همچنان از بنادر مهم عربستان در ساحل دریای سرخ است. (قره چانلو، 1380 ش، ج 1، ص 157) قزوینی در کتاب خود معتقد است حجر نام دیار ثمود در وادی القری میان مدینه و شام نیز هست. (قزوینی، 1373 ش، ص 139)

الحجر، مقر ویرانه‌های باستانی در شمال غربی عربستان، نزدیک مدائن صالح در فاصله 110 کیلومتری جنوب غربی تیما می‌باشد. بدویان ساکن این منطقه، نام الحجر را به دشتی هموار می‌گویند که طول آن از شمال به جنوب 3 کیلومتر و از مشرق به مغرب 2 کیلومتر و در شمالی‌ترین نقطه مدائن صالح واقع شده است که در حال حاضر ایستگاه راه‌آهن فعلی حجاز است. حجر سرزمینی است واقع در راه حجاج شام و نوزده فرسخ دور از منزل دار حمرا شام، این قلعه را اعراب «حجر» و فرنگی‌ها «پتراس ارابیا» یعنی «سنگ‌لاخ عربستان» می‌نامند. (حسام‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش، ص 89)

3-1- تاریخ باستانی قوم ثمود و آثار بر جای مانده از آنان

ثمود یکی از اقوام «عمالقه» به شمار می‌آید. که از «یمن» به سوی شمال حرکت کرده و در محل «مداین صالح» سکونت نمودند. از آن پس دولتی پهناور را در آن سرزمین به وجود آوردند. که آثار آن تاکنون برجا باقی مانده است. مهم‌ترین آثار باقی مانده آنان، «قصرالبت» است که تاکنون نقش و نگارهایی بر آن از تاریخی کهن تقریباً نزدیک به میلاد حضرت مسیح علیه‌السلام باقی مانده است. (بتنونی، ۱۳۸۱، ص 20)

بی‌گمان، تاریخ ثمودیان از تاریخ عادیان بسی روشن‌تر و شناخته شده‌تر است و از سده هشتم پیش از میلاد، نوشته‌های آشوری درباره آنان چیزهایی پیش روی ما نهاده است. جای دیگری که از ثمودیان یاد شده، سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های سبایی است. برای نمونه در سنگ‌نوشته‌ای از پایان سده ششم یا آغاز سده پنجم پیش از میلاد، داستان دو ثمودی که درختان خرمای خود را آب می‌داده‌اند، آمده است دو سنگ‌نوشته سبایی در نجران یافت شده که نام «صلم» در آن‌ها آمده و صلم نام خدای ثمودیان است نویسندگان کهن یونانی و رومی نیز از ثمودیان سخن گفته‌اند.

ثمودیان طبیعتاً یک قبیله بدوی و در بیابان زندگی می‌کردند، به گونه یک حقیقت مطلق و تردیدناپذیر بر آنان بارکنیم. بدین ترتیب، آنان را از آغاز سده نخست میلادی تا پایان سده دوم میلادی در حجاز، جوف و میانه‌های شبه جزیره نیز می‌بینیم. آنچه را از منابع آشوری و نوشته‌های مورخان عرب برمی‌آید، می‌توانیم بگوییم: از آغاز سده دوم میلادی زیست‌گاه ثمودیان کم‌کم رو به گسترش نهاد و تا بخش‌های میانی و شمالی شبه جزیره عربستان پیش رفت و از کناره‌های سوریه در شمال تا نزدیکی‌های سبا در جنوب را فراگرفت. (محمد بیومی، پیشین، ج 1، ص 223)

باستان‌شناسان در جاهای گوناگون از شبه جزیره عربستان که گستره پهناوری از جوف در شمال تا طایف در جنوب و از احساء در شرق تا یثرب و مدین در غرب را فرامی‌گیرد و نیز در راه‌هایی که به عقبه، اردن و سوریه می‌رسد و حتی در حضرموت، در بخش جنوبی شبه جزیره، سنگ‌نوشته‌های ثمودی بسیاری را یافته‌اند و این سنگ‌نوشته‌ها به گفته استاد شرف‌الدین، دلیل‌های استوار و آشکاری هستند بر این‌که ثمودیان در روزگاری ساکنان اصلی شمال شبه جزیره عربستان بوده‌اند و از اینجاست که قرآن کریم در آیه‌های بسیاری از ثمودیان یاد کرده است. (محمد بیومی، پیشین، ج 1، ص 233)

این قوم، در این منطقه و در طرف یثرب زندگی می‌کرده‌اند. ثمود قومی از عرب‌ها بوده که بنا به گفته برخی از تاریخ‌نگاران، ریشه و اصل و نسب آنان از یمن بوده است. ثمودیان پس از سیل «عرم»، از آنجا هجرت نمودند و به سوی شمال شبه جزیره عرب، روی آوردند. خانه‌های آنان در حضرموت، در نزدیکی خانه‌های قوم عاد بوده است. آنان آثاری را که در «علا» با خط مسند (حمیری) باقی مانده است، گواه بر این گفته می‌دانند.

بتنونی معتقد است: ثمودیان ریشه‌ای از رعیت‌های عرب داشته‌اند که از سوی پادشاه «تحوتمس»، در سال ۲۰۵۰ پیش از میلاد، رانده شدند. آنان تراشیدن کوه‌ها و صخره‌ها را از مصریان، آموختند. آنان به سوی منطقه‌ای در میان «حجر» و «مدینه» آمده و در آنجا اقامت گزیدند.

هم‌اکنون آثار فراوانی از این قوم در موزه‌های لندن، پاریس، برلن و آستانه (استانبول) وجود دارد. همچنان که آگاه گردیدیم، مقدار فراوانی از این آثار در صندوق‌های محفوظ، در شهر «حیفا» قرار دارد که این آثار، بیش از دو سال است که متعلق به موزه قسطنطنیه بوده است. (بتنونی، پیشین، ص 439)

3-1-1- معماری خانه‌های قوم ثمود

حسام‌السلطنه در کتابش نشانه خانه‌های قوم ثمود را این‌گونه توصیف می‌کند: «اندرون خانه‌ها، چون اتاق‌های مربع بود و چندان هم وسیع نبودند و دیوارهای درون خانه نیز حجاری نشده بود و در بعضی خانه‌ها نیز چند حجره ساخته بودند و حجاری نموده بودند و در وسط آن غالباً حفره داشت، ولی درب خانه‌ها را مرتفع و عالی ساخته‌اند. اصل دری که از آن داخل بیوتات می‌شوند، زیاده از دو ذرع و نیم ارتفاع نداشت، ولی سرداب آن را تا پنج ذرع حجاری نموده بودند و از دو طرف ستون‌ها بیرون آورده، سرستون‌ها ساخته بودند و در بالای در مثلی از سنگ بیرون آوردند. در وسط آن، در بعضی درها، صورت عقاب ساخته بودند که پره‌های خود را باز کرده بودند و در دو طرف عقاب نیز به فاصله کمی، مانند سرستون از سنگ ساخته بودند و عقاب‌ها در بعضی درها مجسمه و برجسته بود و در بعضی درها صورت خورشید و در پاره درها صورت انسان که از دو طرف، دو گیسو آویخته بودند و عقاب‌ها مکسورالرأس بودند و بعضی صورت انسان را شکل ضحاک و آن گیسوها را هیکل مار می‌گفتند و در برخی درب‌ها عقاب نداشت و صورت دو تازی در بالای در ساخته بودند و در وسط صورت خورشید بود؛ و در سر در اکثر بیوتات به خط سریانی چند سطر نقر کرده بودند. معلوم نشد که چه نوشته‌اند. از قرینه گویا اسم صاحب خانه و تاریخ بنای آن را نقر کرده‌اند.» (حسام‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش، ص 69) ابوالفداء در کتابش تقویم البلدان نوشته است: من کوه‌ها و آنچه از آن تراشیده شده بود را دیدم چنانچه خداوند در سوره شعراء 149 می‌فرماید: «وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ» «و ماهرانه و سرکشانه از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید؟!» که آن کوهستان را اثالب می‌نامند. (ابو الفداء، 2007 م، ص 96) همچنین حاجب الدوله این‌گونه خانه‌های ثمود را توصیف می‌کند: «خانه‌های قوم ثمود که گرفتار غضب الهی گشته، در یک صیحه «جبرائیل» هلاک شدند، در اینجا دیده می‌شود. خانه‌های این قوم، عبارت از یک پاره سنگ و غار مانند، ولی خیلی با صنعتی است، آثار منقوره «عمالقه» به روی سنگ‌ها بسیار است و این خانه که بعضی عبارت از چند اتاق تودرتو است، ارتفاعشان به قدر یک ذرع و نیم و سطحشان جای یکدست

رختخواب دونفری می‌باشد، غار بزرگی است مربع الزوایا، که محرابی از برای آن کنده‌اند.» (حاجب الدوله، ۱۳۷۹ ش، ص 90)

3-2- تمدن قوم ثمود از دیدگاه قرآن

در قرآن به این که محل سکونت قوم ثمود اشاره نشده است اما بیان شده که آنان خانه‌های خود را در «وادی» از سنگ می‌ساختند: «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» (فجر/9) «و با ثمود (قوم صالح) آن‌ها که صخره‌ها را در دل آن وادی (میان عمان و حضرموت) می‌بریدند.» «جوب» به معنای قطع کردن است، می‌فرماید مردم عاد صخره‌های عظیم دامنه کوه‌ها را قطع کردند و به صورت خانه درآوردند. (طباطبایی، پیشین، ج 20، ص 281)

واد که در اصل وادی بوده و به معنی بستر رودخانه، یا محل عبور سیلاب‌ها و گاه به معنی دره نیز آمده چراکه سیلاب‌ها از دره‌هایی که در کنار کوه‌ها است می‌گذرد و در اینجا مناسب معنی دوم یعنی دره‌ها و کوهپایه‌ها است زیرا با توجه به آیات دیگر قرآن که درباره این قوم سخن می‌گوید و در بالا اشاره شد قوم ثمود خانه‌های خود را در دامنه کوه‌ها می‌ساختند، به این ترتیب که سنگ‌ها را می‌بریدند و در درون آن‌ها خانه‌های امنی ایجاد می‌کردند.

در این دشت چند چاه آب وجود دارد و در انبوهی از تخته سنگ و تپه و پرتگاه سنگی محصور است. ویرانه‌های گسترده شهر باستانی و تجاری الحجر، تقریباً در مرکز این دشت واقع است. میدانگاهی بزرگ و مملو از سنگ و سفال و بقایای ساختمان‌ها و بخشی از دیوار شهر، حاکی از اهمیت الحجر در عصر باستان است. شگفت‌تر از این میدانگاه ویرانه، کنده‌کاری‌های بسیار در تخته سنگ‌ها و صخره‌های پیرامون این دشت است، مخصوصاً حجاری‌های روی صخره‌ای که قصر البنت نامیده می‌شود. در الحجر تعداد بسیاری کتیبه به زبان‌های عربی، آرامی، ثمودی، نبطی، لحيانی و حتی عبری، یونانی و لاتین پیدا شده است. (بی‌آزار شیرازی، 1380 ش، ص 250)

اصطخری می‌گوید: حجر دهی کوچک با شهروندانی اندک از وادی القری به فاصله یک روز راه از وادی القری میان کوهستان است که منازل ثمود در آنجا بوده است. خداوند فرماید: «و تنحتون من الجبال بیوتا فارهین» (شعراء/149) «و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید تا خوش باشید.» (اصطخری، 1927 م، ص 19) بئر (چاه) ثمود و ناچه آن، که خداوند درباره آن گوید که او را آبشخوری است و شما را آبشخوری، در آنجاست. (یاقوت حموی، پیشین، ج 2، ص 221)

در کتاب معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع درباره سرزمین حجر آمده است منظور از حجر در قرآن سرزمین ثمود بین شام و حجاز است، هنگامی که رسول خدا در جنگ تبوک در این سرزمین پیاده شد، مردم از چاهش طلب آب

کردند اما حضرت فرمودند که از آب آن ننوشید و با آن وضو برای نماز نگیرید شب کسی تنها خارج نشود مگر همراه با صاحبش. (بکری 1403 ه. ق، ج 2، ص 427)

3-2-1- آراء مفسران درباره جغرافیای تاریخی قوم ثمود و سرزمین حجر

تفسیر نمونه در توصیف ویژگی‌های قوم ثمود این‌گونه می‌نویسد: "قوم ثمود از قدیمی‌ترین اقوامند و پیامبرشان صالح (ع) بود و در سرزمینی بنام وادی القری میان مدینه و شام زندگی داشتند، تمدنی پیشرفته و زندگانی مرفه و صاحب ساختمان‌های عظیم و پیشرفته بودند." به‌رحال منظور در اینجا بریدن قطعات کوه‌ها و ایجاد خانه‌های مطمئن است، همان‌گونه که در آیه 82 سوره حجر درباره همین قوم ثمود می‌خوانیم: «وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ» «آن‌ها در دل کوه‌ها خانه‌های امن می‌تراشیدند» نظیر همین معنی در آیه 149 سوره شعراء نیز آمده و در آنجا تعبیر به «بیوتا فارهین» شده که دلیل بر آن است آن‌ها در این خانه‌ها به عیش و نوش و هوسرانی می‌پرداختند. بعضی گفته‌اند قوم ثمود نخستین قومی بودند که بریدن سنگ‌ها را از کوه و ایجاد خانه‌های محکم در دل کوه‌ها اقدام کردند. بدون شک قوم ثمود نیز در عصر خود تمدنی پیشرفته و شهرهایی آباد داشتند، ولی باز در اینجا به اعداد و ارقامی برخورد می‌کنیم که مبالغه‌آمیز یا افسانه به نظر می‌رسد، مثل اینکه جمعی از مفسران نوشته‌اند که آن‌ها یک هزار و هفت صد شهر ساخته بودند که همه آن‌ها از سنگ بود. (مکارم شیرازی پیشین، ج 26، ص 454)

جد ایشان، ثمود بن عاد بن ارم بن سام بن نوح بود. (ثعلبی نیشابوری، 1422 ق، ج 4، ص 251 و میدی، 1371 ش، ج 3، ص 661 و فیض کاشانی، 1415 ق، ج 2، ص 212 و آلوسی، 1415 ق، ج 4، ص 400) ثمود قبیله‌ای از عرب می‌باشند که به نام جدشان ثمود بن عامر نامیده شدند. (مغنیه، 1424 ق، ج 3، ص 350) قرآن کریم همچنین به مهارت قوم ثمود در ساختن خانه با تراشیدن کوه‌ها و صخره‌ها (شعراء/149) و ساختن کوشک‌ها و کاخ‌ها در دشت‌ها (اعراف/74) و نیز به سرزمین آباد و حاصلخیز آنان (شعراء/147 و 148) اشاره کرده است.

در تفسیر صافی آمده است که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «و اما صالح فانه أرسل إلى ثمود و هی قریة واحدة لا تکمل أربعین بیتاً علی ساحل البحر صغیره». (فیض کاشانی، پیشین، ج 2، ص 212) صالح به ثمود فرستاده شد و آن یک روستایی است کمتر از چهل خانه بر ساحل دریا.

علامه طباطبایی معتقد است که ثمود یکی از امت‌های قدیمی عرب بوده که در سرزمین یمن در احقاف می‌زیسته‌اند و خداوند متعال شخصی از خود آنان را به نام صالح در میانشان مبعوث نمود.

این نظر را نمی‌توان پذیرفت زیرا از یک سو عادیان در شمال شبه جزیره عربستان می‌زیسته‌اند و نه در جنوب آن و از دیگر سو اگر ثمودیان از عرب‌های عاربه‌اند، ناگزیر پیش از روزگار ابراهیم (ع) می‌زیسته‌اند و روزگار ابراهیم در سال‌های 1765-1940 پیش از میلاد بوده است. به هر رو، نشانه‌هایی هست بر این که ثمودیان از عرب‌هایی بوده‌اند که در شمال شبه جزیره می‌زیسته‌اند. (محمد بیومی، پیشین، ج 1، ص 221)

«أَصْحَابُ الْحِجْرِ» مذکور در آیه 80 سوره حَجْر «وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ» و همانا اهل حجر (قوم ثمود، امت صالح) فرستادگان خدا را تکذیب کردند» آقای مدرسی درباره حجر می‌فرماید:

حجر، نام بلدی است که مسکن قوم ثمود بود. (مدرسی، 1419 ق، ج 5، ص 481) آن‌ها را اصحاب حجر گفته‌اند، زیرا در آنجا مسکن داشته‌اند. همان‌طوری که اعراب بادیه‌نشین را «اصحاب بادیه» گویند قتاده گوید: حجر، نام وادی است که این‌ها در آن سکونت داشتند. روایت شده است که در زمان عزیمت سپاه اسلام از مدینه به تبوک، هنگام عبور از ناحیه حجر، رسول اکرم از بیم آنکه مبادا همراهانش دچار بلایی شوند که به قوم ثمود رسیده بود، دستور داد از آب آنجا ننوشند و باحالتی گریان از آنجا بگذرند. (طبرسی، پیشین، ج 6، ص 528) بسیاری از مفسران معتقدند که این سرزمین در وادی القری میان مدینه و شام قرار داشته است. (سیدبن قطب، 1412 ق، ج 4، ص 2151 و ابوالفتوح رازی، 1408 ق، ج 11، ص 339 و فیض کاشانی، پیشین، ج 3، ص 119).

در حدیثی دیگر آمده است که پیغمبر اکرم (ص) در غزوه تبوک در مسیر خود به شمال عربستان به وادی ثمود رسید، درحالی‌که سوار بر اسب بود، فرمود سرعت کنید که شما در سرزمین ملعون و نفرین‌شده‌ای هستید. (حقی بروسوی، بی تا. جلد 10، ص 425) سپس به یاران خود فرمود: درباره سرانجام زندگی قوم ثمود که بر اثر سرکشی و نافرمانی گرفتار قهر الهی گردیدند، بیاندیشید و بدانید هیچ فرد باایمان نباید مطمئن شود که سرانجام زندگی او مانند قوم ثمود نخواهد بود. سکوت مرگبار این سرزمین، خانه‌های ویرانی که در خاموشی عمیقی فرورفته‌اند، برای اقوام دیگر درس عبرت و پند و اندرز است. سپس دستور داد که سربازان اسلام از آب این سرزمین ننوشند و از آن غذا و نانی درست نکنند، حتی وضو هم نگیرند و اگر احیاناً از آب آنجا غذایی پخته‌اند و یا آرد خمیر کرده‌اند همه را به چهارپایان بدهند. (سبحانی تبریزی، 1386 ش، ص 478)

نتیجه‌گیری

در تاریخ سرزمین عربستان، یکی از قبایلی که بیش از همه نام و نشان دارند قوم ثمود است، که در قرآن مجید از آن‌ها به طور مکرر یاد شده است. قصه قوم ثمود به اختصار و غالباً بین قصه حضرت نوح و حضرت ابراهیم علیه السلام و پس از قوم عاد در قرآن مجید آمده است.

آثار باقی مانده از آنان، همچنین بر اساس اشارات برخی قرآن پژوهان می‌توان به این نتیجه رسید که در گذشته، قوم ثمود، ساکنان اصلی شمال شبه جزیره عربستان بوده‌اند و اینکه برخی گفته‌اند ثمود در جنوب عربستان بوده‌اند نظر صحیحی نمی‌تواند باشد.

قوم ثمود از قدیمی‌ترین اقوام‌اند و پیامبرشان صالح (ع) بود و در سرزمینی بنام وادی القری میان مدینه و شام زندگی داشتند، تمدنی پیشرفته و زندگی مرفه و صاحب ساختمان‌های عظیم و پیشرفته بودند که با بریدن قطعات کوه‌ها، خانه‌های محکم و مطمئن می‌ساختند و در این خانه‌ها به عیش و نوش و هوسرانی می‌پرداختند. بعضی گفته‌اند قوم ثمود نخستین قومی بودند که بریدن سنگ‌ها را از کوه و ایجاد خانه‌های محکم در دل کوه‌ها اقدام کردند. بدون شک قوم ثمود نیز در عصر خود تمدنی پیشرفته و شهرهایی آباد داشتند.

قوم ثمود مشرک بودند و عقاید باطل داشتند. با پیامبر خود حضرت صالح به لجاجت و ستیز برخاسته از او درخواست معجزات دلخواه داشتند. از جمله اینکه خواستند ناقه ای از دل سنگ برایشان بیرون بیاورد. پیامبر نیز به اذن خداوند این معجزه را برای آنان فراهم نمود.

با همه تأکیدات و هشدارهای حضرت صالح علیه‌السلام در پاس‌داشت ناقه و آزار نرساندن به او، ثمودیان یک‌تن را برای کشتن آن شتر انتخاب کردند. از فرمان الهی روی برتافتند و سرانجام ناقه خداوند را کشتند.

آنها با وجود کام‌گیری از انواع نعمت‌هایی که در شهر برای خود فراهم کرده بودند از قبیل پارک‌ها و مناظر زیبا و اثاثیه قیمتی و خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های لذیذ؛ اما به علت آزادی و افسارگسیختگی در پیروی هواهای نفسانی، عاقبت به عذاب الهی دچار شدند و ایشان مایه‌ی عبرت دیگران شدند. در هنگام عذاب، صالح و پیروان با ایمان نجات یافتند.

منابع

(قرآن کریم)

کتاب‌ها:

- 1- مصطفوی، حسن، (1368 ش)، ((التحقیق فی کلمات القرآن الکریم))، 14 جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- 2- ابو الفداء، اسماعیل بن علی، (2007 م)، ((تقویم البلدان))، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، چاپ اول.
- 3- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (1408 ق)، ((روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن))، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- 4- اصطخری، ابراهیم بن محمد، (1927 م)، ((مسالك الممالک (اصطخری، لیدن))، 1 جلد، دار صادر - بیروت، چاپ اول.
- 5- آلوسی، سید محمود، (1415)، ((روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم))، تحقیق: علی عبدالباری عطیة بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- 6- بتوننی، محمد لیب، (1381 ش)، ((سفرنامه حجاز))، مترجم: انصاری، تهران.
- 7- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (1416 ق)، ((البرهان فی تفسیر القرآن))، تهران، بنیاد بعثت، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه - قم، چاپ اول.
- 8- بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، (1403 ق)، ((معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع))، محقق / مصحح: سقا، مصطفی نشرعالم الکتب، بیروت.
- 9- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (1380 ش)، ((باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن))، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
- 10- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، (1422)، ((الکشف و البیان عن تفسیر القرآن))، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- 11- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، (1381 ش)، ((قصص الأنبياء))، (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزایری)، 1 جلد، انتشارات فرحان - تهران، چاپ اول.
- 12- حاجب الدوله، علی بن حسین، (1379 ش)، ((سفرنامه حاج علیخان اعتمادالسلطنه))، محقق: قاضی عسکر، علی، تهران، ناشر: نشر مشعر.
- 13- حریری، محمد یوسف، (1384)، ((فرهنگ اصطلاحات قرآنی))، قم، هجرت، چاپ دوم.
- 14- حسام‌السلطنه، مراد میرزا، (1374 ش)، ((سفرنامه مکه))، گردآورنده: جعفریان، رسول، تهران، نشر مشعر.
- 15- حقی بروسوی، اسماعیل، ((تفسیر روح البیان))، دارالفکر، بیروت، چاپ: اول، بی‌تا.
- 16- دشتی، محمد، (1386)، ((ترجمه نهج البلاغه))، میراث ماندگار، چاپ اول.
- 17- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412 ق)، ((مفردات ألفاظ القرآن))، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم چاپ اول.
- 18- زمخشری، محمود، (1407 ق)، ((الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل))، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.

- 19- سبحانی تبریزی، جعفر، (1386)، ((فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام))، تهران، نشر مشعر.
- 20- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، (1412 ق)، ((فی ظلال القرآن))، نشر: دارالشروق، بیروت- قاهره، چاپ هفدهم.
- 21- شراب، محمد محمدحسن، ((فرهنگ اعلام جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره نبوی (ترجمه))، محقق: نعمتی، محمدرضا، مترجم: شیخی، حمیدرضا، تهران، نشر مشعر.
- 22- طباطبایی، سید محمدحسین، (1417 ق)، ((المیزان فی تفسیر القرآن))، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
- 23- طبرسی، فضل بن حسن، (1372 ش)، ((مجمع البیان فی تفسیر القرآن))، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- 24- طبری، محمد بن جریر بن یزید، (1352 ش)، ((تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الرسل و الملوک))، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
- 25- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، ((التبیان فی تفسیر القرآن))، تحقیق: احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- 26- علی، صالح احمد، (1375 ش)، ((حجاز در صدر اسلام))، مترجم: آیتی، عبدالمحمد، تهران، نشر مشعر.
- 27- فیض کاشانی ملا محسن، (1415)، ((تفسیر الصافی))، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
- 28- قره چانلو، حسین، (1380 ش)، ((جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی))، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- 29- قریشی، سید علی اکبر، (1371 ش)، ((قاموس قرآن))، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 30- قزوینی، زکریا بن محمد، (1373 ش)، ((آثار البلاد و اخبار العباد))، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران، امیرکبیر، تهران، چاپ اول.
- 31- قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، (1368 ش)، ((تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب))، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- 32- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (1368)، ((تفسیر کنزالدقایق و بحر الغرایب))، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- 33- کلینی، محمد بن یعقوب، (1407 ق)، ((الفروع من الکافی))، 5 جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 34- محمد بیومی، مهران، (1383 ش)، ((بررسی تاریخی قصص قرآن))، 4 جلد، مترجم: سید محمد راستگو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- 35- مدرسی، سید محمدتقی، (1419 ق)، ((من هدی القرآن))، تهران، دار محبی الحسین.
- 36- مغنیه، محمدجواد، (1424 ق)، ((تفسیر الکاشف))، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- 37- مکارم شیرازی، ناصر، (1374)، ((تفسیر نمونه))، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- 38- میبدی، احمد بن محمد، (1371)، ((کشف الأسرار و عدة الأبرار))، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- 39- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، (1995 م)، ((معجم البلدان))، بیروت، دار صادر، چاپ دوم.

مقالات:

- 40- البهکلی، حسن بن أحمد، العرب: السنة الثانية، شوال 1378، ص 291 تا ص 296.
- 41- خلیل، محمد ابراهیم، (1341 ش)، آریانا، ((مزار حضرت صالح ع))، شماره 239.
- 42- روح انگیز، لاله، (پائیز 1385)، ((بررسی مدارک باستان شناسی مدائن صالح))، بینات، شماره 51.
- 43- مرعشی، سید محمد حسین، ((کتابداری، کتاب ماه دین)): خرداد و تیر 1378 - شماره 128 و 129.

